



قرض الحسنه بود. یک عده پولدار محله پول‌های خود را آن‌جا می‌گذاشتند و عده‌ای که نیازمند بودند، به آن‌جا مراجعه می‌کردند و با ضوابطی قرض می‌گرفتند. صندوق‌های قرض الحسنه قبل از انقلاب در هر مسجدی شکل گرفت و زیاد هم شده بود. بعد از انقلاب، ضوابط و قواعد دیگری پیدا شد و یک زمان بر پایه سازمان می‌شد و زمان دیگری این‌طور نبوده است و در زمان‌های گذشته چیزی تحت عنوان صندوق‌های قرض الحسنه نمی‌بینیم، ولی سنت قرض الحسنه بین مسلمانان بوده و آن‌هایی که پولدار بوده‌اند و کسی به آن‌ها مراجعه می‌کرد، به او قرض می‌دادند تا کار او راه بیافتد و بعد پول را پس می‌گرفتند؛ نه می‌بخشیدند و نه صدقه می‌دادند، بلکه عوض آن را می‌گرفتند. این رفتار باید در جامعه یک رفتار تثبیت شده شود، ولو اینکه در قالب یک سازمان نباشد؛ یعنی مردم طوری باشند که اگر کسی پولی را در اختیار دارد، قرض بدهد که البته طرف مقابل هم ملزم باشد که سر زمان مقرر به تعهدات خود عمل کند.

مقصود ما از نظام اقتصادی، مجموعه‌ای از نهادهای اقتصادی است که این نهادهای اقتصادی بر اساس آن مبانی شکل می‌گیرد و اگر این نهادها درست شکل بگیرد، بر اساس آن مبانی شکل می‌گیرد و نتیجه آن اهداف می‌شود. نکته‌ای که ما گفته‌ایم و در این کتاب هم توضیح داده‌ایم، این است که این مبانی برای یک زمان و مکان خاص نیست و اصطلاحاً به آن جهان‌شمول می‌گوییم. ما در این کتاب، مکتب و نظام اقتصادی اسلام را گفته‌ایم؛ اما وقتی می‌خواهیم این نظام را در یک شرایط خاص پیاده کنیم، مثلاً زمانی صدر اسلام است، روابط اجتماعی، ابزارهای اقتصادی، هنجارهای فرهنگی که وجود دارد، آن‌جا یک نوع نظام تحقق پیدا می‌کند، ارکان اقتصادی، فضای فرهنگی، ابزارهای موجود در ایران معاصر متفاوت است و شکل دیگری تحقق پیدا می‌کند. به این شکلی که در یک زمان، یک نظام تحقق پیدا می‌کند، سازوکار اقتصادی گفته‌ایم.

می‌پذیرد؛ مثل اصل مالکیت، تنوع مالکیت، آزادی فعالیت اقتصادی که اسلام در همان ابتدا می‌پذیرد.

■ **و لابد نظام اقتصادی از راه‌های رسیدن به اهداف بر اساس آن مبانی سخن می‌گوید.**

احسنت! زیرا طبق اندیشه مدون معتقدیم این‌طور نیست که اسلام گفته باشد این مبانی و این اهداف است و شما خودتان کاری کنید که به این اهداف برسید. اسلام یک نظام هم ترسیم کرده و گفته بر اساس این مبانی اگر این نظام را شکل دهید، به این اهداف می‌رسید.

■ **نظام اقتصادی اسلام چه ویژگی‌هایی دارد؟**

ما در حوزه نظام، گفته‌ایم که اسلام یک‌سری نهادهای اقتصادی تعریف کرده است. البته کلمه نهاد را در همان‌جا توضیح داده‌ایم و گفته‌ایم که این نهاد ممکن است در قالب سازمان شکل بگیرد، ممکن است در قالب یک رفتار تشدید شده در جامعه باشد و یک سازمان نباشد. مثلاً نهادهای که اسلام در اقتصاد خود دارد و خیلی هم روی آن تأکید کرده است، قرض الحسنه است. قرض الحسنه چیست؟ قرض الحسنه این است که شما قرض بدهید، ولی اضافه بر آن چیزی که داده‌اید، پس نگیرید و دقیقاً همان مبلغی که قرض داده‌اید، به شما برگردد. شما در قرض الحسنه، مالی را که قرض می‌دهی، به قرض‌گیرنده تملیک می‌کنی، ولی در ازای آن معادل آن را بر ذمه او تملک می‌کنی. پس قرض الحسنه نهاد کمک معوض است؛ یعنی شما به کسی کمک می‌کنی، ولی عوض آن را می‌گیری. اگر بلاعوض باشد، مثل صدقات و هبات می‌شود که آن‌ها هم نهادهای اقتصادی هستند.

این نهاد قرض الحسنه زمانی مثل زمان ما در قالب صندوق‌های قرض الحسنه بود. در زمان انقلاب هم به این صورت داشته‌ایم که در هر مسجد صندوق‌های